

اسلام جوانان؛ چالش جامعه فرانسه

دکتر فرهاد خسرو خاور پژوهشگر ایرانی تبار و مدیر تحقیقاتی مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس، حاصل پنج سال کار پیمایشی و مصاحبه‌های متعدد خود را با جوانان مناطق و محله‌های مختلف فرانسه در کتابی با عنوان «اسلام جوانان» منتشر کرد. این اثر، خواننده را با موقعیت و فضای زندگی مسلمانان در فرانسه آشنا می‌کند. نویسنده با توصیف وضعیت مسلمانان در فرانسه و پرسش‌های هویت که از هر دو سو برای مسلمانان و فرانسویان پیش آمده، خواننده خود را به بازاندیشی مقولاتی چون جمهوری، شهروندی، دموکراسی، لائیسیته و دین دعوت می‌کند.

خواننده غربی با خواندن این کتاب آگاهی‌های تازه‌ای از مساله اسلام و جایگاه آن در فرانسه کسب می‌کند و در مقابل برداشت‌های کلیشه‌ای، به فهم اشکال مختلف دین‌داری و معانی خاص آن دست می‌یابد.

علاوه بر این، برخورد سنجش‌گرانه نویسنده باعث تقویت نگاه انتقادی خواننده غیرغربی نسبت به غرب شده و چهره آرمانی آن را در ذهنیت روشنفکر شرقی شفته غرب می‌شکند. این کتاب که به همت انتشارات فلاماریون در سال ۱۹۹۷

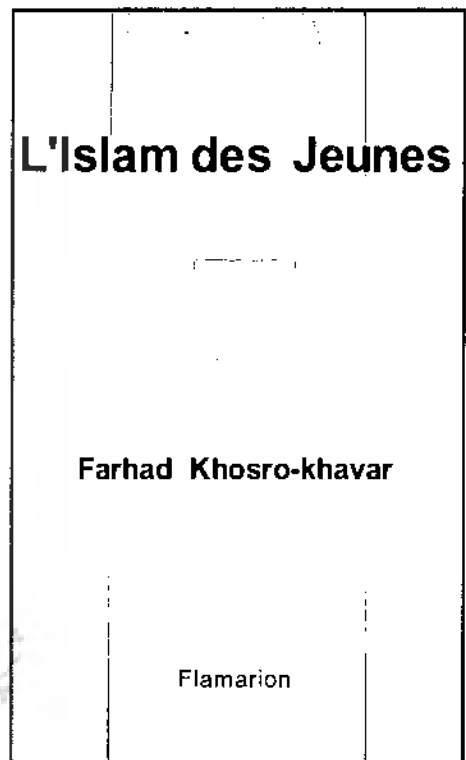
انتشار یافته از یک مقدمه و پنج بخش تشکیل یافته است. نویسنده در مقدمه چهار دلیل برای نگارش اثر ذکر می‌کند: نخستین دلیل، جایگاه مذهب و مشخصاً اسلام در جامعه امروز فرانسه است. اسلام دومین دین فرانسه است و بیشتر پیروان آن را مهاجران آفریقای شمالی تشکیل می‌دهند. مساله‌ای که امروز فرانسه با آن روبروست، نه دین‌داری نسل اول، یعنی کسانی که به امید و آرزوی کار و بهبود اوضاع خود و خانواده‌شان به فرانسه آمده‌اند، بلکه فرزندان آن‌ها یعنی نسل دوم است، نسلی که در فرانسه به دنیا آمده‌اند، در مدارس لائیک آموزش دیده‌اند و از سبک زندگی فرانسوی تبعیت می‌کنند.

مساله دیگر ضرورت بازاندیشی رابطه میان دین‌داری نسل جوان مغربی تبار و اسلام سیاسی است. آیا این نوع از دین‌داری جوانان، جستجوی هویتی نوین است و یا نوعی فعالیت در نهادهای و انجمن‌های اسلامی بنیادگراست؟

مساله سوم، موضوع حجاب است. از سال ۱۹۸۹ که چند دختر محجبه به دلیل اصرار در حفظ حجاب خود از مدرسه اخراج شدند، نظام آموزش و قضایی فرانسه با مساله‌ای جدی روبرو شدند. این مساله در سال ۱۹۹۴ و با اخراج حدود صد تن از دختران محجبه به اوج خود رسید، ولی تصمیم وزارت آموزش و پرورش مورد قبول دادگاه اداری واقع نشد و آنان به سر کلاس‌های درس بازگشتند. هنگامی که این موضوع در فرانسه بالا گرفته بود، روشنفکران لائیک از اخراج این دختران حمایت کردند، برخورد با این دختران موجب تردید افراد مخالف نسبت

○ محسن متقی

○ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس



○ L'Islam des Jeunes
○ Farhad Khosro-khavar
○ Flammarion
○ ۱۹۹۷

چکیده:

کتاب اسلام جوانان بررسی وضعیت مسلمانان در جامعه لائیک فرانسه است. دکتر فرهاد خسرو خاور بر پایه تحقیقات پیمایشی و مصاحبه‌های متعدد با جوانان به این نتیجه رسیده که ظهور اشکال مختلف دین‌داری در فرانسه و کرایش به اسلام، مساله هویت دوگانه را در این کشور مطرح کرده است. جوانان مسلمان به جای الگوی هویت ملی و وفاداری به دولت، در جستجوی شکل دیگری از هویت هستند. خسرو خاور می‌گوید مساله اساسی این است که آیا حق تقدم را باید به تعلقات بینی فرهنگی و قومی داد یا برای ملیت و وفاداری به دولت اصالت قابل شد. او طی بررسی‌های خود نشان می‌دهد که چگونه الگوی لائیسیته، هویت‌های قومی و فرهنگی خاص را نادیده گرفته است. از نظر او کرایش به اسلام در میان جوانان و کرایش به حجاب در بین برخی دختران مسلمان را نمی‌توان به سادگی به بنیادگرایی تقلیل داد. نتایج تحقیقات نویسنده کتاب نشان می‌دهد که کرایش به اسلام بیشتر از سوی جوانانی ابراز می‌شود که جامعه آن‌ها را طرد کرده است. البته کرایش به اسلام در بین دختران مسلمان در حجاب خود را نشان می‌دهد. دختران با رعایت حجاب جایگاه خود را در میان اعضای خانواده محکم و از این طریق اعتماد آن‌ها را جلب می‌کنند. خسرو خاور در پایان مرهم عانی فرانسه و مسلمانان را به بازاندیشی در مفاهیمی چون لائیسیته، دموکراسی، شهروندی و دین دعوت می‌کند.

نویسنده با توصیف وضعیت مسلمانان در فرانسه و پرسش‌های هویت که از هر دو سو برای مسلمانان و فرانسویان پیش آمده، خواننده خود را به بازاندیشی مقولاتی چون جمهوری، شهروندی، دموکراسی، لائسیسم و دین دعوت می‌کند.

به نظر خسرو خاور درک صورت مختلف دین‌داری، شرط اصلی و ضروری فهم مسایل مربوط به اسلام در فرانسه است

در مناطقی که دارای نرخ بالای بیکاری، مناطق مسکونی غیر قابل زیست و نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی و غیرهراسی هستند، گرایش‌های اسلامی در بین جوانان بیشتر مشاهده می‌شود

اگر پسران مسلمان با اعمال خشونت‌آمیز خود برای جامعه فرانسه مشکل‌آفرین شده‌اند، دختران مغربی تبار، ترک و آفریقای سیاه با حجاب خود مشکلات عملی و نظری خاصی برای جامعه فرانسه ایجاد کرده‌اند. اما خود این دختران که هستند و چگونه زندگی می‌کنند؟

در ذهن می‌پرورند (آرمانی جلوه دادن گروه خود). در چنین فرایندی جوانان با رجوع به اسلام، نوعی هویت عکس‌العملی برای خود می‌سازند. برای بسیاری از آنان که دیگر نه امیدی به آینده بهتر در جامعه فرانسه دارند و نه برنامه مشخصی، چنین اسلامی جایگزین زندگی اجتماعی آنان می‌گردد.

به نظر می‌رسد جامعه امروز فرانسه و بعضی گرایش‌های روشنفکری آن به جای فهم این پدیده و تلاش جهت شناخت ساز و کار پیوستن جوانان به اسلام به مخالفت با چنین دین‌داری‌ای برمی‌آیند. نمایش فیلم‌ها و یا پخش برنامه‌های خاص تلویزیونی، تصویری خشن و پر آسب از مناطق مسلمان نشین - تصویری سرشار از اعتیاد، قمار، هرزگی و بی قانونی - آرایه می‌کنند. تصور این چنینی باعث دردسر برای جوانان برخاسته از این مناطق که جویای کار هستند، می‌شود و آنان را با مشکلاتی جدی مواجه می‌کند. خسرو خاور بر این نوع اسلام عنوان "اسلام حاشیه‌نشینی" می‌دهد. این نوع دین‌داری به سه شکل نزد جوانان نمایان می‌شود:

به بی طرفی نظام آموزشی در مورد ادیان شد چرا که بعضی از نشانه‌های مربوط به دین یهود و مسیحیت در مدارس هنوز یافت می‌شود و هیچ مشکلی برای محصلین معتقد به این مذاهب ایجاد نشده است.

و سرانجام باید از سیاست خاص فرانسه نسبت به کشورهای اسلامی و مسایل مربوط به جهان اسلام یاد کرد: دفاع از حکومت نظامی در الجزایر، موضع فرانسه در قبال جنگ در یوگسلاوی و مساله جنگ خلیج فارس و همراهی در سرکوب عراق توسط آمریکا که واکنش مسلمانان را برانگیخته است. تمام این موارد پرسش در باره موقعیت اسلام و مسلمانان را پیش کشیده است. کتاب «اسلام جوانان» درصدد یافتن پاسخ‌هایی برای این قبیل پرسش‌هاست: نویسنده می‌کوشد با گفتگو درباره پیش‌دلوری‌ها، زمینه‌های اصلاح آن‌ها را فراهم کند.

دکتر خسرو خاور در بخش اول با عنوان چهره‌های جدید اسلام، یادآور می‌شود که ما امروزه نه با یک اسلام بلکه با اسلام‌های متفاوت روبرو هستیم. به نظر وی درک صورت مختلف دین‌داری، شرط اصلی و ضروری فهم مسایل مربوط به اسلام است. او در این قسمت به شکل‌گیری اسلام در میان نسل جدید مغربی تباری که در کشور فرانسه به دنیا آمده‌اند و در برابر مشکلات اقتصادی این جامعه به اسلام به عنوان شکل جدید جامعه‌پذیری (socialisation) پناه آورده‌اند، می‌پردازد. این نوع دین‌داری با خود پرسش‌های جدیدی را پیش آورده است: پرسش‌هایی از قبیل این که آیا اسلام نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند لائیک شود؟ آیا جمهوری لائیک قادر به پذیرش دین‌داری نسل جوان است؟ چه نسبتی بین اسلام و دموکراسی وجود دارد؟ آیا دموکراسی از نوع فرانسوی توان جذب اسلام را دارد؟ سرانجام این که آیا اسلام در شرایط کنونی به سلاخی در برابر نژادپرستی آشکار و پنهان جامعه فرانسه تبدیل شده است؟

بخش دوم کتاب با عنوان اسلام جوانان حدود دو سوم کتاب را تشکیل می‌دهد. نویسنده نخست به بررسی اسلام پسران می‌پردازد تا چگونگی شکل‌گیری نوعی اسلام را در میان پسران نسل دوم نشان دهد. به نظر نویسنده بین دین‌داری جدید و مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه فرانسه رابطه وجود دارد. به بیان دیگر در مناطقی که دارای نرخ بالای بیکاری، مناطق مسکونی غیر قابل زیست و نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی و غیرهراسی هستند، گرایش‌های اسلامی در بین جوانان بیشتر مشاهده می‌شود. پسران این مناطق به این باور می‌رسند که جامعه قادر به جذب آنان نیست و رفته رفته دچار دوگانگی می‌شوند. آن‌ها تمام شوربختی زندگی خود را زیر سر غرب می‌دانند (شیطانی جلوه‌دادن غرب) و نوعی اسلام آرمانی را

۱. فرد جوان در جستجوی هویتی است که از هنجارهای جامعه فاصله دارد. از آنجا که امکان جذب در جامعه ممکن نیست، این هویت جدید به او کمک می‌کند تا به حیاتی عادی در جامعه ادامه دهد.

۲. اگر شرایط مهیا شود جوان مسلمان قادر به ساختن نوعی پروژه زندگی است. در چنین حالتی جوان جدا افتاده از اسلام به شکل جدیدی از دین‌داری روی می‌آورد.

۳. شکل دیگری از دین‌داری وجود دارد که فرد جوان همه پل‌های میان خود و جامعه را ویران می‌کند و به تقابل فیزیکی با جامعه روی می‌آورد.

دکتر خسرو خاور در بخشی از کتاب خود به بحث در باره وضعیت دختران مسلمان می‌پردازد. به رغم سلطه نظام آموزش مدرن فرانسه شاهد حضور دختران محجبه در مدارس هستیم که بر حفظ حجاب خود اصرار دارند. اگر پسران مسلمان با اعمال خشونت‌آمیز خود برای جامعه فرانسه مشکل‌آفرین شده‌اند، دختران مغربی تبار، ترک و آفریقای سیاه با حجاب خود مشکلات عملی و نظری خاصی برای فرانسه آفریده‌اند. آن‌ها با این کار خود در حوزه نظری پرسش‌های بی شماری را در مورد الگوی لائسیسم فرانسه و پذیرش اختلافات فرهنگی و قومی پدید آورده‌اند. در حوزه عملی نیز نظام آموزشی را با مشکل جدی در خصوص حضور دختران محجبه مواجه کرده‌اند که هم‌چنان ادامه دارد.

اما خود این دختران که هستند و چگونه زندگی می‌کنند؟ به نظر نویسنده آن‌ها با مشکل دوگانه‌ای روبرو هستند. از یک سو در خانواده به اندازه برادران خود آزادی عمل ندارند و به سختی قادر به ترک خانواده و تبعیت از ارزش‌های اخلاقی جامعه فرانسه هستند. از سوی دیگر به دلیل تحصیل در نظام آموزش فرانسه باید رفتاری مطابق با دیگر دختران داشته باشند. هر گاه این دختران ممنوعیت خانوادگی را زیرپا گذارند، خشم خانواده خود را برمی‌انگیزند. به عنوان نمونه در ماه اوت ۱۹۹۴ دختر ترک‌تبار ۱۵ ساله‌ای به دلیل رابطه با یک پسر، به دست برادرش کشته شد، چرا که از نگاه برادر، او شرفه حیثیت و آبروی خانواده را بر باد داده است.

در مقابل چنین شرایطی دو راه حل در مقابل دختر متعلق به خانواده مسلمان وجود دارد. یا هنجارهای غالب در جامعه را بپذیرد که نتیجه آن گسست از خانواده است و یا به نوعی دین‌داری پناه آورد که در تقابل و تضاد با جامعه فرانسه است اما به او کمک می‌کند که جایی در میان خانواده‌اش بیابد. او دین‌داری را تبدیل به سلاحی برای رسیدن به استقلال و خودمختاری می‌کند چرا که با پذیرش نوع خاصی از اسلام اعتماد خانواده را به خود جلب می‌کند و به او امکان می‌دهد تا بعضی از ممنوعیت‌های ناشی از دین‌داری سنتی را زیرپا گذارد

**دختران مسلمان فرانسه از یک سو
در خانواده به اندازه برادران خود
آزادی عمل ندارند و به سختی قادر به
ترک خانواده و تبعیت از ارزش‌های
اخلاقی جامعه فرانسه هستند و
از سوی دیگر به دلیل تحصیل در
نظام آموزش فرانسه باید رفتاری
مطابق با دیگر دختران داشته باشند**

نیز دارند. در نظر آنان جذب شدن در جامعه فرانسه به معنی دست کشیدن از اصل خویش و شبیه فرانسوی‌ها شدن نیست. شکل دوم اسلام همانا اسلام جوانان مغربی تبار است که آرزوی جذب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه فرانسه را از دست داده و درصددند تا هویت اسلامی برای خود دست و پا کنند. آن‌ها می‌خواهند از این طریق جایگاهی میان پدران شان که قرآبتی با آنان ندارند و فرانسویان که آنان را شهروند به حساب نمی‌آورند، پیدا کنند.

سومین شکل، اسلام بنیادگرا است که بخش کمی از جوانان جذب آن شده‌اند. این شکل از اسلام مبتنی بر تفر و روی گردانی از جامعه فرانسه است.

اسلام نوع دوم و سوم محصول تغییر و تحولات اجتماعی فرانسه و وضعیت محله‌های حاشیه‌ای این کشور است. اما اسلام محرومین (Islam des exclus) پاسخ ذهنی subjectif نسل جوانی است که جامعه در سطح عینی objectif قادر به حل مشکلات او نیست. این جوانان با اجتماع در انجمن‌های مختلف اسلامی در جستجوی یافتن نوعی هویت برای خود هستند. چنین اسلامی الگوی جمهوری خواهی فرانسه را با چالش‌های فکری روبرو کرده است که آشکارترین آن تردید در الگوی جذب افراد متعلق به فرهنگ‌ها، اقوام و ادیان مختلف است. در این کشور افراد تنها در پناه تعلق به دولت تبدیل به شهروندان درجه اول می‌شوند و این در حالی است که هویت‌های قومی و دینی امکان ظهور نهادی و سیاسی ندارند.

موضوع دیگر مشکل جامعه مدنی با مسلمانان است. مردم عادی فرانسه تصور درستی از مسلمانان این کشور ندارند. بسیاری از آن‌ها مسلمان بودن را با تروریسم، خشونت، حمله به مغازه‌ها، گروگان‌گیری و چند همسری می‌پندارند و این موجب جنایی و فاصله میان این دو گروه شده است.

دکتر فرهاد خسروخاور برمی‌نماید این ارزیابی دو سوی ماجرا را به نگرشی تازه برمی‌نماید. حق تمایز بودن و بازنگری در معنی لایسته دعوت می‌کند. فرانسویان باید حق حیات و حضور فعالانه برای مسلمانان قایل شوند و هر دختر محجبه را یک بنیادگرای تمام عیار نینگارند و یا هر پسر مسلمان مغربی تبار را تروریست بالقوه نینگارند. آنان باید با رجوع به گذشته استعماری فرانسه، دیدگاه‌های خود را اصلاح کنند و گمان نکنند که مسلمانان قادر به جذب در جامعه فرانسه نیستند.

مسلمانان نیز باید مرز خود را با رفتارهای خشونت‌آمیز پررنگ کنند تا زمینه ظهور اسلام آزادی‌خواه و نوعی دین‌داری فراهم شود. آنان می‌توانند با درس‌گیری از این سخن قرآنی که در پذیرش دین اگراهی نیست، به گسترش ملارا و بردباری کمک کنند.

نویسنده کتاب با توصیف موقعیت اسلام و مسلمانان در فرانسه و مسأله هویت، چالش‌هایی را ترسیم می‌کند که جامعه فرانسه و مسلمانان با آن روبرو هستند. چالش‌هایی که گره‌گشایی از آن‌ها پیش از هر چیز به مباحث معرفتی و بازاندیشی رفتارها و گرایش‌ها نیاز دارد.

**دختر مسلمان فرانسه با روی آوردن به
اسلام اعتماد خانواده خود را جلب می‌کند و
همین به او امکان می‌دهد تا
بعضی از ممنوعیت‌های ناشی از
دین‌داری سنتی را زیر پا گذارد و
در اجتماعاتی شرکت کند که
دین‌داری سنتی حاضر به قبول آن نیست**

**بسیاری از فرانسویان، مسلمان بودن را
با تروریسم، خشونت، حمله به مغازه‌ها،
گروگان‌گیری و چند همسری
یکسان می‌پندارند و این موجب
جدایی و فاصله میان این دو گروه
شده است**

در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ مسؤول مسجد پاریس شورای نمایندگی مسلمانان فرانسه را پایه گذاشت. ولی دو انجمن مهم یعنی اتحاد سازمان‌های اسلامی در فرانسه و فدراسیون مسلمانان فرانسه به این شورا نپیوستند. در دسامبر ۱۹۹۵ شورای عالی مسلمانان فرانسه به وجود آمد که مورد قبول مسجد پاریس قرار نگرفت. در بخش‌نامه‌ای به تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۵ مالیات برگوشت حلال به مسجد پاریس واگذار شد تا ابزار مالی لازم برای تمشیت امور مسلمانان فرانسه را داشته باشد. همه این مسایل از دشواری‌های متعدد نهادی کردن اسلام و کمبود نهادهای گردهم‌آبی مسلمانان حکایت می‌کند. هر چند که در بسیاری از مناطق انجمن‌هایی پدید آمده‌اند تا چنین کمبودی را رفع کنند ولی حرکت آن‌ها ناکافی به نظر می‌رسد.

بخش پایانی کتاب به نتیجه‌گیری اختصاص دارد. نویسنده دو سوی ماجرا یعنی مسلمانان و لایک‌های فرانسوی را به بازاندیشی درباره مسایلی چون لایسته، دولت، جمهوری، اسلام، فرهنگ و هویت دعوت می‌کند. به نظر نویسنده جناز دین‌داری نسل اول، امروزه با سه نوع اسلام در جامعه فرانسه روبرو هستیم.

نخست افرادی که از نظر اجتماعی و اقتصادی جذب جامعه فرانسه شده‌اند و در عین حال تعلق خاطر به اسلام

و در اجتماعاتی شرکت کند که دین‌داری سنتی حاضر به قبول آن نیست.

در این راه عده‌ای از آنان حتی به حجاب روی می‌آورند و آن را تبدیل به عاملی برای حضور فعال در جامعه فرانسه می‌کنند. در حالی که عده دیگری از دختران به رغم قبول اسلام حاضر به پذیرش حجاب نیستند ولی این امر مانع حضور فعال آن‌ها در مباحث فکری نمی‌شود. این دختران به نام اسلام بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای غالب در جوامع اسلامی را به پرسش کشیده و مورد تردیدهای جدی قرار می‌دهند. به عنوان نمونه به مخالفت با چند همسری، ممنوعیت کار خارج از منزل، نابرابری حقوقی و... برمی‌آیند. خسرو خاور در جریان پژوهش تجربی خود مشاهده می‌کند که پذیرش اسلام، و متعاقب آن پذیرش حجاب و تفسیری خاص از دین، موجب آزادی دختران مسلمان در جوامع غربی می‌شود.

نویسنده در بخش دیگری از کتاب خود مسأله مهم هویت دوگانه را بررسی می‌کند و می‌پرسد آیا مسلمانان فرانسه ابتدا خود را مسلمان و سپس فرانسوی می‌دانند و یا برعکس. به بیان دیگر آیا حق تقدم را به تعلقات دینی، فرهنگی و قومی می‌دهند یا برای ملیت و وفاداری به دولت اصالت قائل هستند؟ تحقیقات پیمایشی و بررسی‌های مختلف درباره جذب جوانان و خارجی‌ان در نظام فرانسه حاکی از آن است که الگوی فرانسوی با مشکلات جدی مواجه است. بسیاری از جوانان با تردید در مورد الگوی جمهوری، به شکل‌های دیگری برای حضور در جامعه پناه آورده‌اند که آشکارترین آن پیوستن به دین است.

چنین پیوندی از عوامل گوناگون تاثیر می‌پذیرد. گاهی جوانان در برابر جامعه مصرفی که حقی برای آن‌ها قایل نیست، به دین پناه می‌برند تا در مقابل چنین اوضاعی برای خود حفاظتی درست کنند. گاهی ترس از آینده و عدم اطمینان به فردای بهتر و نبود افقی روشن باعث سوق دادن آن‌ها به سوی دین می‌شود. زمانی مشکلاتی مانند مرگ نزدیکان، بیماری، اعتیاد و... موجب روی آوردن جوانان به اسلام می‌شود تا پاسخ خود را برای مسایلی چون مرگ و زندگی بیابند. در چنین اوضاع و احوالی مساجد تبدیل به مکان گردهم‌آبی آنان می‌شود. این در حالی است که مراکز اجتماعی که مرجع رسمی برای کمک به جوانان‌اند از آرایه برنامه و پیشنهادها عملی عاجزند. پس نباید فریب هیاهوی روزنامه‌نگارانی را خورد که هر نوع دین‌داری را به عنوان اسلام بنیادگرای خشونت طلب معرفی می‌کنند و باعث سوء تفاهات جدی در فهم چنین دین‌داری‌هایی می‌شوند.

در بخش سوم نویسنده به مشکلات عملی نهادی شدن اسلام در فرانسه می‌پردازد. خسرو خاور، تنوع قومی، نژادی و ملی مسلمانان را سدی در برابر طلب خواست‌های مشترک می‌داند. البته دولت فرانسه برای تأمین خواسته‌های مسلمانان اقداماتی را انجام داده است. در سال ۱۹۸۹ ژوکی وزیر کشور وقت تصمیم به ایجاد ساختاری گرفت تا نماینده مسلمانان فرانسه در آن حضور داشته باشد. نتیجه این تلاش، تأسیس «شورای تأمل درباره اسلام» در فرانسه بود.